

فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)

سال سیزدهم، شماره ۴۶ و ۴۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۲

جایگاه زن در فرهنگ و حقوق عصر ساسانی

دکتر زهرا الهوتی نظری*

چکیده

با ظهور اسلام زن از مقام و پایگاه اجتماعی والایی برخوردار گردید. زنان به عنوان عضو فعال اجتماع در همه عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و... درخشیدند. اما به تدریج این موقعیت ممتاز خود را از دست دادند و به حاشیه رانده شدند. ظلمی که در تاریخ بر زنان رفت ثمرهٔ بیش محرفی بود که به تدریج با اسلام ناب آمیخته گشت و واقعیات اجتماع نیز شرایط پذیرش این کژ اندیشی را فراهم ساخت.

از جمله عواملی که بر فرهنگ اسلامی - و از آن جمله نگاه مسلمانان به زن - تاثیر نهاد فرهنگ سرزمین‌های مفتوحه بود که به دلیل امتزاج و آمیختگی میان قوم غالب و مغلوب صورت گرفت. فرهنگ ایران پیش از اسلام از آن جهت که در دوره اسلامی در تکوین فرهنگ و تمدن مردم مسلمان این قلمرو وسیع بیشترین تاثیر را داشته است، سزاوار بررسی است. جایگاه زن در این فرهنگ و نیز در حقوق عصر ساسانی موضوع تحقیق این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: زن، فرهنگ، حقوق، ساسانیان، اسلام

مقدمه

ساسانیان از آغاز سلطنتی مذهبی را بنیان نهادند. ساسان جد اردشیر بابکان بنیان‌گذار این خاندان از موبدان و کاهنان معبد آناهیتا^۱ بود و حکومت خود را بر مبنای دین استوار نمود.^۲ دستگاه دینی در واقع گرداننده اصلی چرخ سیاست بود. آنچه موجب اقتدار مغان می‌شد، قدرت مالی عظیمی بود که در اختیار داشتند.^۳ با توجه به چنین نفوذ و قدرتی که متولیان دین از آن برخوردار بودند، توجه به متون دینی و اجرای اوستایی که در این دوره گردآوری شده بود،^۴ و راهنمای عمل این صاحب منصبان دینی محسوب می‌شد کارآمدترین ابزار جهت فهم و دریافت موقعیت زن در فرهنگ عمومی مردم عصر ساسانی است. فرامین دینی موبدان در سرتاسر امپراطوری ساسانی با شدت و حدت اجرا می‌شد، اعم از این که این عقاید برخاسته از دین زرتشت یا نشأت گرفته از منافع دین‌مداران بوده باشد.

لزوم تفکیک میان آیین زرتشت و اعمال حکومت دینی

در این جا لازم است بین آیین واقعی زرتشت و آنچه از جانب حکومت دینی ساسانی عملاً تحقق می‌یافت تفکیک قائل شد. حقیقت آن است که با ظهور زرتشت زن مقام و اهمیت اجتماعی خاص یافت. زن در بسیاری از موارد در امور اجتماعی مانند مرد اجازه دخالت یافت، به گونه‌ای که گاه ریاست خانواده را برعهده گرفت، شخصیت آنها محفوظ و شهادت‌شان در محاکم مقبول

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل و الملوك، ترجمه پاینده، انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۵۸۰.

۲. فردوسی اندررهای اردشیر به یسرش را چین به نظم در آورده:

چنان دین و دولت به یکدیگرند
تو گویی که در زیر یک چادرد
نه بی‌تخت شاهی بود دین نه پای
نه می‌دین بود شهریاری به حای

۳. کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات ابن سینا، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۵۱، ص ۱۲۸.

۴. اوستای باقیمانده امروری به پنج بهره تقسیم شده است: یسا، ویسپرد، یشت‌ها، خرده اوستا، و نبدباد. برخی از محققین بر آنند که آیین حقیقی زرتشت را باید در گاتاها جست، چه بعدها به مرور تصرفاتی در آن کردند و به ویژه آیین زرتشتی دوره ساسانی از مبدأ خود بسیار دور شد. گاتاها قسمتی از یسا و از لحاظ تاریخی و انتساب به زرتشت معتبرترین بخش اوستا است.

گردید و برخلاف برخی ادیان از ارث نیز بهره‌مند شدند.^۱ آنچه از تعالیم زرتشت - که در گات‌ها آمده - برداشت می‌شود این است که دین زرتشت نسبت به زن دیدگاهی مثبت داشته است. به اعتقاد زرتشت زن و مرد در خلقت برابر و از یک گوهرند لذا مخاطب آن مردان و زنان به تساوی هستند.^۲

«بهترین گفته‌ها را با گوش بشنوید! و با اندیشه روشن بنگرید. سپس هر مرد و زن از شما از این دوراه - نیکی و بدی - یکی را برای خود برگزیند. این آیین را پیش از آن که روز مرگ فرا رسد دریابید.»^۳

این همتایی و هم‌سنگی در یسناها ۴۶ بند ۱ نیز به روشنی بیان شده است. «آن مرد و زن که از برای من ای اهورا مزدا به جای می‌آورد آنچه را که تو از برای جهان بهتر دانستی، از برای درست کرداری وی بهشت (بدو ارزانی باد) و کسانی را که من به نیایش شما برگمارم، با همه آنان از پل چینوت خواهم گذشت»^۴ خرده اوستا در بیان شأن برابر زن و مرد می‌گوید: «از بین زنان و مردان کسی که برابر آیین راستی ستایشش بهتر است، مزدا اهورا از آن آگاه می‌باشد، این‌گونه مردان و زنان را می‌ستایم.»^۵

گاهان رستگاری را به زن و مرد یکسان مژده می‌دهد. از شش امشاسپند مطرح شده در آیین زرتشت سه تن مرد و سه تن دیگر زن هستند. آناهیتا (زن ایزد) را همان‌گونه ارج می‌نهد که مهر (خدای نرینه) را...^۶

ویل دورانت می‌گوید: «در زمان زرتشت زنان از منزلتی عالی برخوردار شدند، صاحب ملک و زمین می‌شدند و در آن تصرفات مالکانه داشتند.»^۷ اما با مرور زمان و با فاصله گرفتن از عصر ظهور

۱. حسام نقیایی، حقوق زن در ادوار و ادیان مختلف، چاپ اختر شمال، ص. ۴۳.

۲. جیمس دار مستر، تفسیر اوستا و ترجمه گاتاها، ترجمه و تحشیه از دکتر موسی جوان، ۱۳۴۸، صص ۲۹۵ و ۲۹۸.

۳. پورداوود، گات‌ها، بخش نخست، بمبئی، ۱۹۵۲، ص. ۱۰۲.

۴. قائمی، ادبیات باستانی ایران، اصفهان، ۱۳۴۸، ص. ۲.

۵. موبد اردشیر آذرگشسب، خرده اوستا، انتشارات راستی، ۱۳۵۴، ص. ۵۰.

۶. پورداوود، یشت‌ها، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، چاپ سوم، ۲۵۳۶، آبان پشت

۷. ویل دورانت، تاریخ تمدن، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۳۳.

زرتشت مقام زن به خصوص در طبقه ثروتمندان تنزل پیدا کرد... گوشه‌نشینی سراسر زندگی اجتماعی‌شان را فرا گرفت... زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمیزش (گفتگو) کنند.^۱ البته زنان طبقات پایین‌تر نیز به نحوی دیگر از حقوق خود محروم می‌شدند. به هر حال توجه به این نکته لازم است که زرتشت با آن همه احترام به زنان هنگامی ظهور کرد که در اغلب کشورها چه در زمان ظهور آن و چه پس از آن دختران منفور بودند و زنده به گور می‌شدند.^۲

از آنجا که عنوان مقاله حاضر جایگاه زن در جامعه عصر ساسانی و نه جایگاه زن در آیین زرتشت است، لذا در همین جا به مطالب مختصر اما ضروری در رابطه موقعیت زن در آیین زرتشت اکتفا می‌شود.

نظام حقوقی

گفته شد که حکومت ساسانیان حکومتی دینی بود. منابع حقوقی این دوره عبارت از کتاب اوستا، تفاسیر آن و بالاخره اجماع نیکان (یعنی مجموع فتاوی و نظرات علمای روحانی زرتشتی) بود.^۳ بنابراین حقوق ساسانی یک حقوق دینی به شمار می‌رفت که در مباحث خود از تعالیم مذهبی به خصوص اوستا الهام می‌گرفت. خواه اوستای عصر ساسانی را مطابق با تعالیم اصیل زرتشت بدانیم یا آن را التقاطی از ادیان پیش از زرتشت که مغان حافظ آن بودند با پوسته‌ای از تعالیم زرتشت تلقی کنیم،^۴ در هر حال از جمله منابعی که راهنمای عمل حکومت به شمار می‌رفت همین اوستا بود. همچنین از بین رفته‌های مذهبی زرتشتی در حمله اسکندر، حکومت را به تدریج به سمت یک حقوق تکمیلی مبتنی بر فتاوی و اجماع نیکان در امور حقوقی و قضایی سوق

۱. همان، ص ۵۵۲.

۲. موبد اردشیر آذر گشسب، مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان، انتشارات راستی، ۱۳۵۲، ص ۱۶۸.

۳. کریستین بارتمه، زن در حقوق ساسانی، ترجمه و ملحقات از دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی، بنگاه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۳۷،

ص ج.

۴. هاشم رضی، ونیدیداد، انتشارات فکر روز، چاپ اول، ۱۳۷۶، مقدمه صص ۶۵ و ۷۰.

داد. چرا که با فقدان بخش مهمی از ادبیات مذهبی، فقه منصوص دینی دچار کمبودهایی شده بود که می‌بایست به نحوی تکمیل و جبران شود و بدین ترتیب تفسیر اوستا و اجماع روحانیون، مکمل نصوص باقیمانده مذهبی گردید. روحانیون با توجه به قدرت مالی و اقتصادی که کسب نموده بودند، آن چنان در میان طبقات بالای جامعه جای گرفتند که خود تبدیل به یک طبقه و از لحاظ نفوذ فکری بالاتر از طبقات حاکمه، اشراف و بزرگان گردیدند. پایه و اصول قانونی که روحانیون وضع می‌کردند و یا از نظر این گروه می‌گذشت بر مبنای منافع هیئت حاکمه در نظر گرفته شده بود.^۱ مطلبی روشن و صریح که بنیاد بینش مغان را درباره زن بیان می‌کند در بندهش Bundahis که از کتب معتبر زبان پهلوی و از منابع تحقیق در ایران باستان است - نقل شده است: هرمزد هنگامی که زن را آفرید به او گفت اگر مخلوقی را می‌یافتم، که مرد را از او کنم، تو را نمی‌آفریدم.^۲ داستان جهی Jahi دیو مؤنث در اوستا نیز بیانگر نقش منفی زن است. اوست که برانگیزاننده اهریمن در جنگ با اهورا مزدا و امشاسپندان است و این جنس مؤنث است که حتی اهریمن را به بدکاری ترغیب می‌کند و به مقابله با هرمزد (نیکی‌ها) می‌کشد. در بندهش آمده است که چون اهریمن شکست خورد، ناتوان شده و به ناتوانی سه هزار ساله افتاد. دیوان کماله Kamala هر یک جداگانه به بالین اهریمن شده و گفتند برخیز ای پدر ما، آن چنان با هرمزد و امشاسپندان پیکار کنیم که شکست یابد. اما اهریمن آن چنان ترسیده بود و ناتوان شده بود که بر نمی‌خواست سرانجام جهی آن ماده دیو تبهکار به بالین پدر شده و چندان رجز خواند و پیمان یاری و همکاری بست که سرانجام اهریمن برخاست و از آن ناتوانی به در آمد و شادمان شد و با تمام دیوها به جنگ روشنایی رفت.^۳

۱. فرشته عبداللہی، دین زرتشت و نقش آن در جامعه ساسانیان، نشر ققنوس، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۲۴۰.

۲. هاشم رضی، همان، ج ۳، ص ۱۲۸۶ مهرداد بهار: بندهش، فرنیغ دادگی، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۶۹، ش، ص. ۸۳.

۳. همان، صص: ۱۵۳۴-۱۵۳۷.

بنابر عقیده ایشان، پیدایی دستان اثری اهریمنی در زنان است که هر ماه مکرر می‌گردد و لذا مردان به پاکی و رستگاری نزدیک‌ترند. احکام زن دستان بسیار سخت و طاقت‌فرسا بوده است.^۱ یک زن دستان به موجب حلول دیو ناپاکی باید جدا و دور از همه کس و همه چیز می‌ماند تا دیو درون وی خارج شود. بدین ترتیب زن عملاً چند روز در ماه از خانواده و جامعه طرد می‌شد. حق لمس و حتی دیدن هیچ کس و هیچ چیز را نداشت.^۲ بدین ترتیب موقعیت زنان در دوران ساسانی را باید در چارچوب نظام حقوقی وابسته به دین و قدرت سیاسی بررسی کرد. زنان در این دوران از حقوق متناسب با شأن انسانی خود برخوردار نبودند و مهم‌ترین محرومیت‌ها در این دوران عدم توجه به کرامت انسانی و شخصیت حقوقی او بود.

محرومیت‌ها و حقوق

۱- محرومیت‌ها

بر مبنای بینش منفی فوق نسبت به زنان، در جامعه نیز با آنها رفتاری متناسب با شخصیت انسانی ایشان صورت نمی‌گرفت. زن از هر لحاظ تحت سرپرستی و قیمومت رئیس خانوار «کتک خنای» قرار داشت، این رئیس خانوار ممکن بود که پدر، شوهر و یا در صورت مرگ آنها جانشین ایشان باشد. اختیارات این قیم یا رئیس خانوار کمتر محدودیتی داشت. تمام هدایایی که گاه‌گاه به زن یا به کودکان داده می‌شد و یا آنچه آنها با کار و غیر آن به دست می‌آوردند عیناً مانند درآمدهای اکتسابی بردگان متعلق به رئیس خانوار بود.^۳ زن همچون شیء بود که هر کس به میزان وسع خود می‌توانست از آن برخوردار باشد. به موجب منابع حقوقی فارسی میانه، دو یا بیشتر داشتن پادشا زن

۱. گوشه‌ای از احکام و شرایع زن دستان در دین مغان در فرگرد ۱۶ و نذیباد آمده است. احکام و مقررات دقیق‌تر و شرایع و محرمات بسیار سخت دیگر، در مجموعه روایات پهلوی، شایست و ناشایست، نیرنگستان، روایات داراب هرمزد، صد در نتر، صد در بندهش، ارداویراف‌نامه و... ملاحظه می‌شود.

۲. کتابیون مزدا پور (آوانویسی و ترجمه). شایست ناشایست، آوانویسی و ترجمه کتابیون مزداپور، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۶۶.

۳. بارتلمه، کریستین. زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین صاحب الزمانی، تحقیقات خاورشناسان، نشریه شماره ۱، ص. ۱۲.

– زن عقدی – نیز رایج بود.^۱ در وندیداد اتفاق با زن، مال، دانش و... از وظایف مزدیستان شمرده شده است.^۲ مرد مالک و صاحب زن تلقی می‌شد. شوهر حق داشت یگانه زن خود، یا یکی از زنانش را و حتی زن ممتاز خود را به مرد دیگری که بدون تقصیر محتاج شده بود بپردازد تا این مرد از خدمات آن زن استفاده کند. در چنین امری رضایت زن شرط نبود.^۳ در متون حقوقی عصر ساسانی به ویژه مائیکان هزار دادستان به مسائل بسیاری درباره روابط میان زن و شوهر و نوع ازدواج استقراضی و اجاره زن از سوی شوهر به مرد دیگر برمی‌خوریم. هرگاه مردی زن خود را با شرط و پیمان به مدت معینی به مرد دیگری واگذار می‌کرد، شوهر موقت دوم نیز می‌توانست با آگاهی شوهر اول، زن را به مرد سومی واگذار نماید و در این امر رضایت زن شرط نبود.^۴ کفاره برخی از گناهان تقدیم دختران باکره به مردان اشو بود.^۵ در وندیداد آمده که مرد گناهکار موظف است دختر بالغ و سالم و تندرست خود را با توجه به این که باکره باشد، با جهیزیه یا نقدینه‌ای از پیرایه‌های زینتی از طلا و گوهر، پس از سن پانزده، برای مردان اشو به ازدواج دهد. تصریح در صیغه جمع برای مردان اشو قابل تأمل است.^۶

زن علاوه بر آن که جسمش در تملک مرد بود، عرض و ناموسش نیز متعلق به وی بوده است. زنا در دین زرتشت از بزرگترین گناهان و مستحق سخت‌ترین مجازات‌ها بود و از گناهان همیالان.^۷ در «صد در نثر» در ۴۲ آمده که این گناه را تاوان نیست مگر آن که در قیامت بر سر چینودپل از مردی که به زنش تجاوز کرده، رضایت طلبد. اما اگر به گیتی شوهر، زن را حلال کرده باشد این عقوبت نباشد.^۸ مرد زناکار نیز اگر در دنیا از شوهر زن حلالیت طلبد و شوهر او را

۱. Percy Sykes, A History of Persia, Vol. 1, pp.: 173, 367, 368.

۲. هاشم رضی، همان، ص ۴۶۲.

۳. کریستین سن، همان، ص ۳۵۳؛ نک

J. Hastings, Encyclopedia of Religion and Ethic, vol. 5, pp: 744-746.

۴. هاشم رضی، ج ۱، صص ۵۱۲-۵۰۵.

۵. همان، ج ۳، ص ۱۴۳۳، فرگرد ۱۴ بند ۱۵ و ۱۸.

۶. همان، ج ۳، ص. ۱۴۶۰.

۷. همان، فرگرد، ۱۸.

۸. همان، ج ۳، صص: ۱۷۰۱-۱۷۰۰.

بخشد گناهِش از بن بشود و الا این گناه هیچ نوعی بخشیده نشود.^۱ این بینش مملوک گونه نسبت به زن چنان در اعماق فرهنگ مردم نفوذ داشت که حتی هنگامی که مزدک حوالی سال ۴۹۰ م. به عنوان مطلع اجتماعی ظهور کرد تا وضع طبقات ستمدیده را بهبود بخشد و مساوات را در جامعه برقرار سازد اصول دین خود را چنین بیان نمود: «... کلیه اشیاء و تمام زنان باید ملک مشترک تمام مردان باشند.»^۲ مزدک نیز زن را در زمره سایر اشیاء می‌دانست که می‌بایست به تساوی میان انسان‌ها (مردان) تقسیم شود و در انحصار طبقه‌ای قرار نگیرد.

فقدان کرامت و احترام متناسب با شأن انسانی از جمله مهم‌ترین محرومیت‌هایی بود که زنان ساسانی بدان مبتلا بودند. در حالی که در آیین زرتشت زنان کرامتی هم شأن مردان داشتند، مغان نسبت به زنان بسیار بدبین بودند. در اندرزنامه‌های باقی مانده بارها به این نکته بر می‌خوریم که راز خود را به زنان نگویند. در اندرزنامه طوسی می‌خوانیم:^۳

که موبد چنین داستان زد ز زن که با زن در راز هرگز مزن

در اندرزنامه آذرباد مهر اسپندان آمده است: راز با زنان مگو.^۴ در باب بوزینه و باخه کلیله و دمنه که اصل آن سانسکریت بوده و در عهد انوشیروان از هند به ایران آورده شد و به زبان پهلوی ترجمه گردید، آمده است: «سزاوارتر چیزی که خردمندان از آن تحرز فرمودند سمت بی‌وفایی و غدر است... و هرگز علم به نهایت کارهای زنان و به کیفیت بدعهدی ایشان محیط نگردهد.»^۵ و در بوف و زاغ می‌خوانیم که از سر خیرخواهی می‌گوید: «عاقل باید... صحبت زنان را چون قربت افعی پندارد که هیچ از او ایمن نتوان بود و بر وفای وی کیسه نتوان دوخت...»^۶ از جمله تعالیم کتاب هزار و یک شب که تأثیر عمیقی بر فرهنگ و ادب مسلمانان نهاد، تقبیح اخلاق زنان و

۱. همان، ص. ۱۳۰۷.

۲. ویل دورانت، همان، ج ۴، بخش اول، صص: ۱۷۸-۱۷۷.

۳. اسدی طوسی، اندرزنامه اسدی طوسی، فراهم آورده رشید یاسمی از گرشاسب نامه، مطبعه شرق تهران، ۱۳۰۶، صص: ۷۶-۷۵.

۴. اردشیر آذرگشسب (مترجم)، اندرزنامه‌های پهلوی، ص. ۲۰.

۵. نصرالله منشی، کلیله و دمنه، مقابله و چاپ عبدالعظیم قریب، انتشارات طاهری، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص. ۲۱۹.

۶. همان، ص. ۱۹۲.

سوءظن نسبت به ایشان، و اشاره به مکر و بی‌وفایی و خیانت آنان است.^۱ در اعیاد بزرگ زن همچون اشیاء دیگر اعم از اسب و زیور و زینت به پادشاه تقدیم می‌شد.^۲ زن نیک و قابل ستایش آن بود که پسر زاید.^۳ هرودوت می‌نویسد پارسی بهترین صفت زن را پس از رشادت در این می‌داند که پسران زیاد به دنیا آورد.^۴ طبقه‌بندی زنان به زنان درجه یک (پادشا زن) و درجه دو (چکر زن) و نیز ازدواج با محارم^۵ به دلیل اعتقاد به عدم اختلاط خون اشراف‌زاده با غیر اشراف‌زاده، همگی نشان دهنده آن است که اولاً زنان در مقایسه با مردان از کرامت و شأنی برابر برخوردار نبوده، ثانیاً زنان در میان خود نیز برحسب طبقه اجتماعی، اصالت خانوادگی و بر مبنای معیارهای اشرافیت و غیر آن از حیثیت، احترام، کرامت و حقوقی متفاوت با یکدیگر برخوردار بودند. اما به هر حال به تدریج بی‌توجهی به زنان وجدان حقوقی عصر ساسانیان را جریحه‌دار ساخته و موجبات حمایت‌های قانونی بیشتر از زن را فراهم آورد. به عنوان مثال برخلاف گذشته پدر یا رئیس خانواده اموالی را که قبلاً در وصیت‌نامه برای زن و فرزندان خود تعیین می‌کرد، دیگر نمی‌توانست به رهن داده یا بفروشد.^۶

۲- حقوق

شواهدی وجود دارد که نشان‌دهنده تربیت علمی در میان زنان عصر ساسانی است. داستانی که در ماتیگان هزار دادستان نقل گردیده مؤید وجود زمینه تعلیم و تعلم زنان در این دوره می‌باشد. در این مجموعه می‌خوانیم هنگامی که زنی از یک قاضی سؤالاتی می‌پرسد و قاضی در پاسخ به یکی

۱. علی اصغر حکمت. هزار و یک شب، ترجمه از الف لیل و لیله، تهران، ۱۳۱۵، مقدمه ص الف - لز.

۲. کریستین سن، همان، ص. ۴۳۰.

۳. پشت‌ها، همان، ج ۱، صص ۱۰۳، ۱۰۷؛ یسنا، گزارش پورداوود، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۲۵۳۶، یسناها ۹ (موم ۳ شت)

۴. حسن پیرنیا، ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم، نشر علم، چاپ ششم، ۱۳۳۳، ج ۲، ص ۱۵۳۵.

۵. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که رسم ازدواج با ارحام و اقارب اختصاص به مزدکیان نداشت و در میان سلاطین هخامنشی و اشکانی و اشراف ساسانی نیز متداول بوده است. (زن در حقوق ساسانی، مقدمه ص ز)

۶. بارتمه، همان، ص. ۳۴.

از سؤالات در می‌ماند زن می‌گوید: استاد بیهوده به مغز خود فشار نیاورید و به آسانی بگویید نمی‌دانم و ضمناً می‌توانید پاسخ این سؤال را در فلان کتاب بیابید.^۱ در جامعه نیز چنین بینشی وجود داشت که دختران را باید به مردانی تربیت یافته شوهر داد.^۲ زنان در تربیت فرزندان پسر و دختر خود نیز دارای نقشی بودند. تربیت کودکان طبقات عالی اجتماع بدین نحو بود که پسران و دختران تا پایان سال پنجم از سنین خود کاملاً تحت سرپرستی زنان در خانه به سر می‌بردند.^۳ زنان در امور مالی نیز از استقلال‌هایی ولو محدود برخوردار بودند. اگر شوهری به اتفاق همسر خود مسئولیت ادای قرضی را به عهده می‌گرفت در این صورت طلبکار به طور دلخواه می‌توانست همان‌طور که حق خود را از شوهر مطالبه می‌کند از زن وی نیز به تنهایی بخواهد. در چنین مواردی شکایت علیه زن به رضایت یا عدم رضایت شوهر وی ارتباطی نداشت.^۴ به علاوه چنانچه شوهر به موجب سندی قانونی، زن را شریک خود می‌کرد او شریک‌المال محسوب می‌شد و می‌توانست مثل شوهر خود در آن تصرف کند. طبق این قانون دختران و زنان بیوه و زنانی که شریک‌المال نبودند به هیچ وجه قدرت انجام معامله‌ای را نداشتند. البته الغای این حق، یک‌طرفه و به دست شوهر بود و هر لحظه که می‌خواست می‌توانست آن را اقاله و زن را از آن محروم کند.^۵ همچنین زن می‌توانست سرپرست اموال خانواده شود. پادشا زن ستر^۶ طبیعی شوهر محسوب می‌شد.^۷ البته قوانین بسیار دیگری نیز وجود داشت که حق زن را در امر مالکیت محدود می‌کرد. مثلاً اگر شوهری صله، جهیزیه و سایر اموال زن را در دوران زناشویی به نحوی تصرف و خرج می‌کرد

۱. همان، ص. ۱۶.

۲. همان، ص. ۱۹.

۳. همان، ص. ۱۴.

۴. همان، ص. ۳۶.

۵. کریستین سن، همان، ص. ۳۵۲.

۶. واژه «ستر» در لغت به معنای معتمد، نگهبان و سرپرست است و در روایات داراب هرمزدار (ج ۱ ص. ۲۶۴، ص. ۱۱) نه‌کار رفته است. مفهوم این واژه در طی تاریخ تغییر بسیار کرده است. نک زنان و ادبیات پهلوی، صص: ۴۷، ۱۱۳؛ درباره چند اصطلاح حقوقی زبان پهلوی، صص: ۳۵۷-۳۵۳.

۷. کتابون مزداپور، همان، یادداشت فصل دوازدهم، ص. ۱۷۰.

هنگام اطلاق الزامی نداشت که عین آن و یابهای آن را به زن مطلقه خود باز پس دهد. اگر به زنی ارمغانی یا ارثی تعلق می‌گرفت، شوهر می‌بایست خود را رسماً به عنوان قیم قانونی او معرفی نماید.^۱ در خصوص ازدواج باید گفت که در آیین زرتشت ازدواج امری لازم و اجباری بود. پدر و مادر موظف بودند که برای فرزندان خود همسر انتخاب کنند. در دوره ساسانی این مسئله مورد توجه بود و پدر نمی‌بایست به عمد و یا از روی امساک و امتناع و یا ترس از دست دادن دخترش وی را به موقع شوهر ندهد چه در این صورت دختر می‌توانست به میل خود و بدون اجازه پدر حتی به یک ازدواج غیرمشروع تن دهد. در این هنگام هزینه معاش و سهم ارث برای وی باقی می‌ماند.^۲ در خانواده‌های اشرافی ساسانی دو طبقه از زنان شوهردار قابل تمیز بودند. زنانی که مقام اول را داشته و بنام پادشا زن خوانده می‌شدند و زنانی که در مقایسه با پادشا زن، مقام دوم و پایین‌تر داشته و چکر زن خوانده می‌شدند. پادشا زن لازم بود که از لحاظ نسب و مقام خانوادگی با شوهر خود هم طبقه باشد در حالی که چکر زن معمولاً از طبقات پایین‌تر از طبقه خانوادگی شوهر بوده و از حقوق کمتری برخوردار بود و از هر لحاظ تحت ریاست و اداره پادشا زن قرار داشت.^۳ فرمانبرداری زن از شوهر از جمله فرایض بود آن چنان که گفته می‌شود زن می‌بایست روزی سه بار در حضور شوهر خود به احترام ایستاده و به او بگوید که تو را چه اندیشه است تا من اندیشم و تو را چه می‌باید تا من گویم و تو را چه می‌شاید تا من آن کنم.^۴ در فرگرد ۶۳ ارداویراف‌نامه اشاره به سزای آن جهانی زنی که سر از طاعت شوهر باز زند و نافرمانی کند، شده است.^۵ در ارتباط با ارث، سهم پسری که از پادشا زن زاده می‌شد «بهر» خوانده می‌شد که واحد سنجش سهم الارث بود. بر این اساس سهم دختری که از پادشا زن متولد می‌شد نصف بهر بود.^۶

۱. کریستین سن، همان، ص. ۳۵۲.

۲. بارتلمه، همان، ص. ۲۱.

۳. همان، ص. ۲۶.

۴. علی سامی، تمدن ساسانی، دانشکده علوم و ادبیات دانشگاه شیراز، ج ۲، ص ۹۲، مظاهری، علی‌اکبر. خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام، ترجمه عبدالله توکل، نشر قطره، ۱۳۷۳، ص. ۵.

۵. زرتشت بهرام پردو، ارداویراف‌نامه منظوم، از دکتر رحیم عقیقی، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۳، ص. ۵۹.

۶. علی اکبر مظاهری، خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام، صص: ۲۶۰-۲۵۹.

«چکر زن» یا زن مقام دوم از ارث محروم بود.^۱ بیوه زن خودسالار یعنی زنی که زناشویی اش به اجازه پدر یا قیم نبوده - Xadsarai - از شوهر خودش که بی وصیت مرده بود ارث نمی برد.^۲ و بالاخره دختری که یگانه فرزند بود ثلث اموال پدر را به ارث می برد.^۳

نتیجه

آیین زرتشت اگرچه زنان را همردیف مردان قرار داد و برای ایشان شأنی انسانی قائل شد اما زنان در عصر ساسانی عملاً جایگاه حقیقی خود را نیافتند و علی رغم تحولات اجتماعی و حقوقی، فرهنگ رایج در میان مردم حاکی از بدبینی و سوءظن نسبت به ایشان بود. ضمن آن که نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که زنان ایرانی در این دوره در مقایسه با اغلب کشورهای دیگر چه در زمان ظهور زرتشت و چه پس از آن، که دختران را زنده در گور می کردند، از حقوقی برخوردار بودند اما باید توجه داشت که این حقوق تا رسیدن به وضعیت مطلوب دارای کاستی های قابل ملاحظه بود. لذا با توجه به نقش ایرانیان در شکل گیری تمدن اسلام و تأثیر فرهنگ ایرانی بر فرهنگ اسلامی از طریق روی کار آمدن رجال ایرانی در عصر عباسی و انتقال مرکز خلافت به قلمرو ساسانی و پیدایش نهضت ترجمه؛ بررسی جایگاه زن در ایران بیش از اسلام جهت فهم علل انحطاط منزلت زن در دوره های پس از صدر اسلام ضروری می باشد.

منابع

آذرگشسب، موبد اردشیر (ترجمه)، اندرزنامه های پهلوی، تهران، انتشارات راستی، بی تا.
آذرگشسب، موبد اردشیر، مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان، تهران، انتشارات راستی، ۱۳۵۲.
بارتلمه، کریستین. زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین صاحب الزمانی، بنگاه مطبوعاتی،

۱۳۳۷.

۱. همان

۲. همان

۳. بارتلمه، همان، ص. ۲۲.

- بهرام یزدو، زرتشت، ارداویراف نامه منظوم، از دکتر رحیم عقیقی، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۳ ش.
- پورداوود (گزارش)، یسنا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۲۵۳۶.
- پورداوود (گزارش)، یشت‌ها، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، چاپ سوم، ۲۵۳۶.
- پورداوود (گزارش)، گاتها، بمبئی، ۱۹۵۲ م.
- پیرنیا، حسن. ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم، نشر علم، چاپ ششم، ۱۳۷۳ ش.
- حکمت، علی اصغر. هزار و یک شب، ترجمه از الف لیله و لیله، تهران، ۱۳۱۵ ش.
- دار مستتر، جیمس. تفسیر اوستا و ترجمه گاتها، ترجمه و تحشیه موسی جوان، ۱۳۴۷ ش.
- دورانت، ویل. تاریخ تمدن، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۱ ش.
- رضی، هاشم (ترجمه). وندیداد، انتشارات فکر روز، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- سامی، علی. تمدن ساسانی، دانشکده علوم و ادبیات دانشگاه شیراز.
- طبری، محمد بن جریر. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، ترجمه پاینده، انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ ش.
- عبداللهی، فرشته. دین زرتشت و نقش آن در جامعه ساسانیان، نشر ققنوس، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
- قائمی، محمد. ادبیات باستانی ایران، اصفهان، ۱۳۴۸ ش.
- قریب، عبدالعظیم (مقابله). کلیله و دمنه، انتشارات طاهری، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
- کریستین سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، انتشارات ابن سینا، چاپ چهارم، ۱۳۵۱ ش.
- مزداپور، کتیون (آوا نویسی و ترجمه). شایست ناشایست، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹ ش.
- مظاهری، علی اکبر. خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام، ترجمه عبدالله توکل، نشر قطره، ۱۳۷۳ ش.
- ناظر، ابراهیم میرزا (ترجمه). اندرز اشتر داما، تهران، انتشارات هیرمند، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
- نقبائی، حسام. حقوق زن در ادوار و ادیان مختلف، انتشارات اختر شمال، بی تا.

یاسمی، رشید (گردآورنده). اندرزنامهٔ اسدی طوسی، از گرشاسب نامه، تهران، مطبعه شرق، ۱۳۰۶ ش.

Percy Sykes, A history of Persia, Third Edition, 1930, London: Reprinted 1951.

J. Hastings, Encyclopedia of Religion and Ethics, vol. 5.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی